



(Image/Article/Help.jpg)

اسلام به عنوان آخرین و کامل ترین دین الهی، به همه ابعاد و زوایای زندگی بشر نظارت و توجه دارد؛ تا جایی که رابطه انسان را فقط در ارتباط با خدا خلاصه نمی کند، بلکه انسان را در سطح وسیع و مقیاس بزرگ اجتماعی می نگرد که در هر بُعدی از ابعادش باید به مسائل و وظایف خود عمل کند. یکی از مسائل مهم اجتماعی که مورد توجه و توصیه فراوان اسلام قرار دارد مسئله خدمت و مواسات به خلق است. خدمت رسانی درمتون دینی ما دارای ابعاد و لایه های گستردهای است که مفاهیمی از قبیل احسان، برآوردن نیازهای مؤمنین، مواسات، خدمت به پدر و مادر، گره گشایی از کارها و دهها مفهوم دیگر را در بر می گیرد. از منظر اسلام کاری را خدمت می نامند که مقدمه تقرب به خدا و در راستای رضای الهی باشد. لذا خیرخواهانه بودن و داشتن نیت الهی از مهمترین شرائط خدمت گزاری مطلوب می باشد. بی تردید خدمت رسانی به بندگان یک ارزش صد درصد اخلاقی و اسلامی است، اما مهم این است که بدانیم مسئله خدمت رسانی تنها منحصر در کمک کردن به دیگران نبوده و دارای مراتبی از قبیل دستگیری از نیازمندان، گره گشایی، احترام به شخصیت افراد و دفاع از حقوق آنان نیز می شود که در پی آن شخص خدمت گزار هم از ثواب های دنیوی و هم از ثواب های اخروی بهره مند می گردد. کمک رسانی به دیگران زمانی ارزشمند خواهد بود که تمامی شرائط و مقدمات آن مهیا باشد، از مهمترین شروط خدمت گزاری می توان به بی منت بودن، کوچک شمردن خدمت، سریع بودن، و خالصانه بودن اشاره نمود که در متون روایی ما به آنها اشاره شده است. البته اسلام درکنار بیان اهمیت خدمت به مؤمنین مسئله خدمت گزاری را در محورهای مهم دیگری نیز مطرح کرده است که عبارتند از: خدمت به پدر و مادر، خدمت به حکومت اسلامی، خدمت در خانه و خدمت به حیوانات. خدمت دارای مصادیق مختلفی از قبیل گره گشایی، سودرسانی، یاری رساندن و احسان می باشد که هر کدام از آنها دارای اجر و ثواب خاص به خود می باشند.



بازدید : ۱۱۵۷

منبع : مجمع جهانی صادقین علیهما السلام / گردآورنده: صالح احمدی ،

کلیدواژه: خدمت، مواسات، احسان، یاری، گره گشایی، دستگیری، إعانة

تفسیر اسلام از خدمت

واژه «خدمت»، مفهوم گسترده ای دارد تا جایی که همه اُمور اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را در برمی گیرد و به گذشت، فداکاری، ایثار و تحمل رنج و سختی در تمامی اُمور، خدمت و خدمتگزاری، صدق می کند.

البته اسلام کاری را خدمت می نامد که برخوردار از روح معنویت بوده و وسیله تقرب به خدا باشد، بنابراین در فرهنگ اسلامی خدمتی که مقدمه قرب الهی و در راستای رضای خدا نباشد، عبادت نبوده و از اجر الهی سهمی ندارد.

شرائط خدمت

خدمت عبادی علاوه بر انگیزه الهی و تقرب به خدا، دارای شرایط دیگری نیز می باشد که اهم آنها عبارتند از:

۱. در راه خدا باشد.
۲. مخلصانه انجام گیرد.
۳. خیرخواهانه بوده و فاعلش، نیت و هدف خیر داشته باشد.
۴. داد و ستد و به منظور به دست آوردن مال و منال و شهرت و مقام نباشد.
۵. همکاری بر اثم و گناه نباشد.
۶. از منت و آزار مبرا باشد.
۷. خدمت شوندگان، افراد شایسته خدمت باشند، گرچه متوجه خدمت خدمتگزار نباشند
- و ...

چنین خدمتی از ارزش و اهمیت بسزایی برخوردار است و حضرت علی علیه السلام در اینباره می فرماید: «أحسن الصنائع ما وافق الشرائع»^[۱]

بهترین احسانها و خدمات، آن است که موافق با شریعت ها و طبق شرایط و موازین دینی باشد.

جایگاه خدمت گزاری در اسلام

خدمت به دیگران جایگاهی بس والا و ارزشمند در نظام فکری اسلام داراست. البته این خدمت رسانی گسترده و شمول فراوانی دارد به طوریکه از حوزه خانواده و همسایگان شروع می شود و تمامی عرصه های حیات اجتماعی و حتی بین المللی را شامل می گردد و انحصار به یک کار مشخص و معینی هم ندارد؛ بلکه هرکار خیر و صحیح و مشروعی که مورد نیاز فرد یا جامعه باشد را شامل می شود، از غذا دادن و سیراب کردن و پوشاندن که نمونه های ساده و اولیه خدمت رسانی است تا تعلیم و تربیت و محبت کردن و عیب پوشی و احترام گذاشتن به دیگران. از نمونه های مصداقی خدمت به دیگران اینکه: قرآن کریم ۲۳ بار از اطعام یتیمان یاد کرده است.

پیامبر اکرم صل الله علیه وآله در بیانی فرمودند: «من افضل الاعمال عندالله ابراد الکباد الحاره و اشباع الکباد الجائعه»^[۲] از بهترین کارها نزد خداوند سیراب کردن جگرهای تشنه و سیرکردن شکم- های گرسنه است».

در روایت دیگری میخوانیم جبریل امین به پیامبر اکرم صل الله علیه وآله فرمود: «ای محمد! اگر قرار بود ما روی زمین خدا را عبادت کنیم به این سه کار او را عبادت می کردیم: آب دادن به مسلمانان، کمک به مردان عیال وار و پوشاندن عیوب دیگران».^[۳]

علمای بزرگوار دین نیز پیوسته دغدغه خدمت رسانی به نیازمندان و مؤمنین جامعه را داشته اند؛ چنان که نقل شده است آیت الله العظمی بهجت در درس خارج فقه به طلاب می فرمود: آیا می توانیم سالم بار خود را به منزل برسانیم و در عین حال به امور مسلمانان و مؤمنین بی تفاوت باشیم. آیا امکان دارد بدون اهتمام به امور مسلمانان به مقصود خود برسیم؟!^[۴]

حکایت: عمل خالص، خدمتگزاری به خلق است

در حدیثی قدسی آمده است که وقتی خداوند از موسای کلیم الله پرسید «هل عملت لی عملاً خالصاً؛ یعنی چه کار خالصانه‌ای برای من انجام داده ای»، موسی پاسخ داد که نماز خواندم و روزه گرفتم و تسبیح و تهلیل تو را گفتم و خدا پاسخ داد اینها که برای خودت بود فایده‌اش برای خودت است بگو به خاطر من آیا عریانی را پوشاندی، یا گرسنه ای را سیرکردی، یا مظلومی را یاری رساندی، یا عالمی را إکرام نمودی؟^[۵] که البته می دانیم اینها همه از باب نمونه و جزو مصادیق اولیه و ساده خدمت‌رسانی محسوب می گردد.

مراتب خدمت به خلق

مرتبه اول: دستگیری از فقرا و درماندگان

تمامی انسانها به خصوص مسلمانان باید در خوراک، پوشاک، مسکن و ازدواج به فکر یکدیگر باشند، به گونه‌ای که حتی یک نفر گرسنه و بدون لباس، یک نفر بدون مسکن و یک مرد یا زن بی همسر، در بین آنان یافت نشود. اگر جامعه اسلامی نسبت به این موارد بی تفاوت باشد، نمی تواند ادعای مسلمانی کند. تا آنجاییکه قرآنکریم در سوره ماعون میفرماید وای به این نامسلمانی که در وقت نماز غافل از نماز هستند و وای به آدمهای متظاهرکه می توانند حوائج دیگران را رفع کنند، اما نمی کنند.^[۶]

امام باقرعلیه السلام نیز در این زمینه می فرماید: «ای ابو اسماعیل! آیا در میان شما چنین است که هر گاه کسی ردایی نداشته باشد و یکی از برادرانش ردای اضافی داشته باشد، آن را به او دهد تا وی نیز به ردایی برسد؟ گفتم: خیر. فرمود: آیا اگر إزاری نداشته، برادرش ازار اضافی خود را به او مدهد تا او نیز صاحب إزاری شود؟ گفتم: خیر. امام علیه السلام با دست خود بر رانش زد و فرمود: اینها برادر نیستند».^[۷]

مرتبه دوم: گره گشایی

گره گشایی به این معنا است که همه وظیفه دارند به رفع گرفتاری یکدیگر بپردازند و به گونه‌ای عملکنند که هیچ کس ناراحت و غمگین نماند و همه جامعه شاد باشند. جامعه اسلامی و مورد پسند خداوند متعال جامعه‌ای است که در آن اگر بنا بر گرفتاری است، همه گرفتار باشند، وگرنه همه راحت و خوشحال و آسوده خاطر باشند. چنین جامعه‌ای وقتی پدید می‌آید که همه، گرفتاری

دیگران را گرفتاری خود بدانند و به هر صورت ممکن برای رفع آن تلاش کنند. به همین خاطر است که امام صادق علیه السلام میفرماید: «کسی که در راه برطرف ساختن حاجت و نیاز برادر خود قدم بردارد، مانند کسی است که سعی میان صفا و مروه به جای میآورد».[۸]

رفع حوائج مردم و گره‌گشایی از کار همنوعان در فرهنگ تعلیم دینی بسیار ارزشمند است و ثواب والایی دارد؛ کما اینکه پیامبر مکرم اسلام صل الله علیه وآله فرمود: «هر آن کسکه صبح کند و به کار مسلمانان اهتمام نورد، مسلمان نیست».[۹]

مرتبه سوم: احترام و دفاع از شخصیت دیگران

مرتبه سوم در قانون مواسات، احترام قائل شدن و دفاع از شخصیت دیگران است؛ یعنی همه انسان‌ها شخصیت دارند و ما باید همان‌طور که برای خود شخصیت قائلیم، برای دیگران هم شخصیت قائل باشیم چرا که بی‌احترامی به دیگران، گاهی منجر به مفاسدی می‌شود که جبران‌ناپذیر است. گاهی اتفاق افتاده است که در خانواده‌ها بر اثر عصبانیت و بی‌احترامی‌های پدر و مادر فرزندان نسبت به دین بدبین شده‌اند. بنابر این، ملاک احترام به شخصیت از منظر اسلام و تعلیم قرآنی، انسانیت انسانهاست و میزان دارایی مالی و نیز مرتبه شغلی و اجتماعی در این باره تأثیری ندارد. حتی پایین بودن سطح تحصیلات افراد نیز نباید مانع احترام به آنان شود.

آثار و برکات خدمت به خلق

۱. امنیت در قیامت

کسی که در سختیها و گرفتاریهای مردم، آنها را یاری برساند و با برآوردن حاجات آنان به آنها آرامش هدیه کند، خداوند در سخت ترین مراحل زندگی پس از مرگ، یعنی قیامت به او امنیت و آرامش عطا میکند. چنانچه در بیان امام کاظم علیه السلام آمده است: «إِنَّ لِلَّهِ عِبَادًا فِي الْأَرْضِ يَسْعَوْنَ فِي حَوَائِجِ النَّاسِ هُمْ الْأَمْنُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»؛ [۱۰] برای خداوند در روی زمین، بندگان هستنند که در راه رفع حوائج مردم تلاش میکنند، آنان در روز قیامت، ایمن هستند».

البته خدمت رسانی به مردم در همین دنیا به انسان آرامش و انبساط درونی میدهد و در روایات نیز به آن اشاره شده است.

۲. برآورده شدن حاجات

از مجموعه تعلیم اسلامی و سیره اولیا: استفاده می‌شود که پس از ادای واجبات و ترک محرمات، بالاترین وسیله برای تقرب به خداوند متعال خصلت خدمت به خلق است. لذا اولیای خداوند همواره در خدمت مردم بودند و شخصاً در رفع حوائج آنان اقدام می‌کردند، و ثواب آن را چندین برابر ثواب اعمال دیگر میدانستند، تا جاییکه امام صادق ۷ میفرماید: «مَنْ قَضَى لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ حَاجَةً قَضَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِائَةَ أَلْفِ حَاجَةٍ مِنْ ذَلِكَ أَوْلَاهَا الْجَنَّةُ وَمَنْ ذَلِكَ أَنْ يَدْخُلَ قَرَابَتَهُ وَ مَعَارِفَهُ وَ إِخْوَانَهُ الْجَنَّةَ بَعْدَ أَنْ لَا يَكُونُوا نَصَابًا؛ کسی که یکی از خواسته‌های برادر مؤمنش را برآورده‌کند، خداوند در روز قیامت، صد هزارخواسته او را برآورده میکند که نخستین آنها بهشت است و دیگر اینکه خویشان و آشنایان و برادران دینی او را نیز وارد بهشت میکند البته به شرط اینکه ناصبی (دشمن اهل بیت) نباشند»، [۱۱] و شاید به همین خاطر است که می‌گویند آگاه باشید که خدا در هیچجا، همچون آنجا پرستش نمیشود که آدمی برای نیکی کردن به برادران و زیارتشان گام بر می‌دارد. [۱۲]

۳. برطرف شدن گرفتاری

ما پیوسته برای رفع گرفتاریهای خود تلاش میکنیم؛ ولی باید بدانیم راهحل رفع گرفتاریها فقط تلاش مستقیم برای برداشتن آن گرفتاری نیست. گاهی برآوردن حاجت و گره ازکار دیگران گشودن، صدها گره از زندگی ما را باز میکند. لذا رسولخدا صل الله علیه و آله فرمود: «به راستی خداوند، مؤمن را تا زمانی که برادر مؤمن خود را یاریرساند، یاری میکند و کسی که یک گرفتاری از گرفتاری-های برادر مؤمنش را در دنیا برطرف کند، خداوند هفتاد گرفتاری، از گرفتاریهای آخرت او را برطرف میکند».[۱۳]

از همین روست که بین اقشار مختلف معروف است که گاهی خدا میخواهد با دست تو دست دیگر بندگان را بگیرد وقتی دستی را به یاری میگیری، بدان که دست دیگری در دست خداست.

۴. آقایی و بزرگی در دنیا

از منظر اهل بیت: اگر کسی بخواهد در دنیا و آخرت سربلند باشد، باید به دو امر «تقوا» و «سخاوت» تمسک بجوید؛ لذا امام سجاد علیه السلام می فرماید: «گرامی ترین انسانها نزد مردم، کسی است که خیرش زیاد به آنها برسد و نیازی به آنها نداشته باشد و...».[۱۴]

۵. بقاء و فزونی نعمت

انسانها همانند سنگ هایی نیستند که از یکدیگر بی خبر و بی ارتباط باشند، بلکه مانند حلقات یک زنجیره اند که حیات و قوامشان در گرو پیوستگی و وابستگی است. به همین جهت، فرهنگ بشری، همواره به این مسئله توجه گردیده و به تعبیرهای گوناگون جامعه انسانی به این سو فراخوانده شده است. در این میان اندیشمندان و مصلحان، با بیان و قلم، مردم را به همدلی و خدمت رسانی دعوت کرده و آن را از مقومات جامعه و اجتماع برشمرده اند.

ادیان الهی نیز که براساس ارزشهای فطری و واقعی استوارند، به مسئله خدمت رسانی عنایت کرده و نقش اساسی را در ایجاد و تقویت این روحیه داشته اند. از جمله اینکه به خدمتگزاران بشارت فزونی و بقاء رزق را داده اند و امام زین العابدین علیه السلام در این زمینه فرموده: «لینفق الرجل بالقصد و بلغه الکفاف و یقدم الفضل منه لآخرته فان ذلک ابقى للنعمه و اقرب الی المزیّد من الله تعالی و انفع فی العاقبة»؛ [۱۵] انسان باید به مقدار اعتدال و به قدر کفاف خرج کند و زیادیش در راه خدمت به خلق مصرف کند زیرا چنین رفتاری باعث بقای بیشتر نعمت گشته و به فزونی نعمت از جانب خدا نزدیکتر و در عاقبت سودمندتر است».

شرایط خدمت گزاری

۱. احسان باید بی منت باشد

منت گذاری یعنی بازگو کردن احسان و نیکی ای که انجام شده و این از جانب خداوند که منعم حقیقی است برای بیان عظمت نعمت و توجه دادن بندگان به نعمات الهی است، اما از جانب انسان یکی از صفات رذیله و از آفات زبان به شمار می آید که نشان از پستی طبع و کم ظرفیتی و ناخالص بودن آن احسان و عمل خیر دارد. به رخ کشیدن عملی که انجام گرفته و احسانی که از ما به فردی رسیده موجب تحقیر آن فرد و خجل و شرمندگی او می شود، و از این رهگذر او را آزردگی خاطر می سازد و موجب اذیت روحی اش می شود.

قرآن کریم در اینباره می فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ)؛ [۱۶] ای اهل ایمان! صدقه هایتان را با

مَنْت و آزار باطل نکنید، مانند کسی که مالش را به ریا به مردم انفاق می کند و به خدا و روز قیامت ایمان ندارد که وصفش مانند سنگ سخت و خاری است که بر آن پوششی نازک از خاک قرار دارد و رگباری تند و درشت به آن برسد و آن سنگ را صاف و بدون خاک واگذارد، صدقه ریایی مانند آن خاک است و این ریاکاران به چیزی از آنچه کسب کرده اند، دست نمی یابند و خدا مردم کافر را هدایت نمی کند.

با مَنْت گذاشتن در کار خیری که انجام داده می شود مُهر بطلان بر روی آن زده می شود. این گونه اعمال ریاکارانه و انفاق های آمیخته با آزار روحی، از دل های سخت و قساوت مند سرچشمه می گیرد و صاحبانش هیچ بهره ای از آن نمی برند و تمام زحمتشان به هدر می رود.

۲. کوچک دیدن خدمت

از جمله درهائی که اگر گشوده شود نفس فرصت بزرگی می یابد تا بر دیگران غرور و فخر فروشی نموده و احساس برتری و امتیازی نماید، موفقیت در خدمت رسانی به دیگران است. هنگامی که این حالت رخ داد، نفس شروع به پافشاری بر صاحبش می نماید تا بردیگران منت بگذارد، و به آنان یادآوری کند که در راه آنان بذل و بخشش نموده و جان نثاری کرده است. همچنین مدام آنان را مورد پرس و جو قرار می دهد تا نظرشان را در مورد کاری که برای آنان انجام داده بداند تا شاید آنان را وا دارد که به سپاسگذاری، و تعریف و تمجید او بپردازند.

از این رو برای حل این معضل راه کارهای زیر پیشنهاد می گردد همیشه به یاد داشته باشیم که منت گذاشتن به واسطه بخششها، عواقب بدی در پی دارد. فرقی نمی کند که این بخشش مادی یا معنوی باشد و سبب میشود تا ارزش کارها نیست و نابود گردد. خداوند می فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى):^[۱۷] ای کسانی که ایمان آورده اید، بذل و بخشش های خود را با منت و آزار، پوچ و تباه نسازید. همچنین برای رهایی از این حالت، باید تلاش کنیم خدمات ما به گونهای باشد که شناخته نشویم و حتی آن کسانی هم که به آنها خدمت می کنیم به طور مستقیم با ما مواجه نشوند، و این امری است که در سیره ائمه دین به ما آموخته شده است.

آمده است که مردم گمان می کردند علی بن حسین علیه السلام بخل می ورزد، و آنچنان که باید و شاید به مستمندان و نیازمندان رسیدگی نمی کند. این در حالی بود که چنین خانواده هایی در مدینه زندگی می کردند، بدون آنکه بدانند غذایشان از کجا می آید. اما هنگامی که علی بن حسین علیه السلام از دنیا چشم فرو بست، دیدند که دیگر شبها چیزی برای آنان آورده نمی شود و دریافتند که آن حضرت به طور مخفیانه برای صد خانوار آذوقه تهیه می کرده است.

۳. سرعت در خدمت به دیگران

در بزرگراهها تابلوهای بزرگی دیده می شود که بر روی آنها هشدار داده شده از سرعت پرهیز کنید. فلاسفه امروز، سرعت را در زندگی بشر بزرگ ترین آفت می دانند که زندگی را برانسان سخت و تلخ کرده است. سرعت و مسابقه برای سبقت در زندگی مادی چنان مردم را به خود مشغول کرده که اصلاً سر بر نمی دارند ببینند چه می کنند، و چرا این همه از خود و عمر هزینه می کنند، و دستاورد این سرعت جویی و سبقت گرفتن چیست؟

شگفت تر اینکه در بزرگراه اسلام و صراط مستقیم بندگی، تابلوهایی از این دست زده شده و روی آن نوشته شده است: باید سرعت و سبقت بگیرید که سستی و درنگ، زیانبار و خسران آور است، که یکی از این تابلوها تابلوی خدمتگزاری است که سرعت داشتن در آن از امور ضروری به حساب می آید.

حکایت: عاقبت محروم کردن فقیر از طعام

روزی مردی با زن خود مشغول خوردن مرغ بریان بود، سائلی بر درب خانه اظهار حاجت کرد، آن مرد او را محروم کرد و چیزی نداد، بعد از مدتی روزگار بر او برگشت و ثروت و داراییاش از بین رفت و زن را نیز طلاق داد.

زن با مرد دیگری ازدواج نمود. از اتفاقات عجیب آنکه، روزی آن زن با شوهر دوم مشغول غذا خوردن و از جمله مرغ بریان بود که فقیری بر درب خانه خوراک خواست. مرد گفت: مقداری غذا و مرغ برای او ببر. وقتی زن غذا را به دست فقیر می داد، دید گویا او را دیده است، دقت کرد، سبحان الله، چه می بینم! همان شوهر اولش بود که به این روز افتاده بود.

گریه اش گرفت و برگشت. شوهر سبب گریه را پرسید پاسخ داد: شوهر اول من بود، یک روز با او غذا می خوردم گدایی آمد و او آن گدا را محروم کرد. مرد گفت: خدا گواه است آن سائل من بودم و چون تلخی ناامیدی را دیده‌ام نمی خواهم کسی از در خانه ام محروم برود. [۱۸]

خدمت حتی به حیوانات

در اسلام، نه تنها برای انسان بلکه حتی حقوق حیوانات نیز مورد توجه قرار گرفته است و به رعایت حال آنان سفارش شده است. پیامبر اسلام صل الله علیه وآله روزی این داستان را برای یارانشان نقل کرد که مردی از بیابانی گذر می کرد. ناگهان سگی را دید که از شدت تشنگی زبانش را به خاکهای نمناک بیابان می مالید. در آنجا چاه آبی بود، آن مرد کفش خودش را به شالی بست و به داخل چاه انداخت و از آن آب کشید و جلوی سگ گذاشت. خداوند به پیامبر زمانش وحی کرد که آن شخص را به دلیل این عملش بخشیده و به بهشت می برد. در این هنگام یاران پیامبر صل الله علیه وآله عرض کردند: آیا ما نیز می توانیم با کمک به حیوانات از خدا پاداش بگیریم؟ حضرت فرمود: آری، و به خاطر هر کبد زنده ای که موفق به انجام خدمتی شوید، مأجور خواهید بود. [۱۹]

سعدی این حدیث را در بوستان خود چنین آورده است:

یکی در بیابان سگی تشنه یافت	برون از رمق در حیاتش نیافت
کله دلو کرد آن پسندیده کیش	چو حبل اندر آن بست دستار خویش
به خدمت میان بست و بازو گشاد	سگ ناتوان را دمی آب داد
خبر داد پیغمبر از حال مرد	که داور گناهان از او عفو کرد
الا گر جفا کردی اندیشه کن	وفا پیش گیر و کرم پیشه کن
یکی با سگی نیکویی گم نکرد	کجا گم شود خیر با نیک مرد؟
کرم کن چنان کت برآید زدست	جهانبان در خیر بر کس نبست
به قنطار زر بخش کردن ز گنج	نباشد چو قیراطی از دسترنج
برد هر کسی بار در خورد زور	گران است پای ملخ پیش مور

وقتی خدمت به مردم، خاستگاهی الهی داشته باشد، حجم و کمیت آن مهم نخواهد بود. پس هیچ خدمت خالصانه ای را نباید کوچک شمرد. گاه خدمت با يك نگاه محبت‌آمیز، میتواند خدمتی ارزشمند به حساب آید. به همین دلیل امام سجاد علیه السلام می فرماید: «نظر المؤمن فی وجه اخیه المؤمن للمودة و المحبة عبادة»؛ [۲۰] نگاه مؤمن به چهره برادر مؤمنش از روی دوستی و محبت، عبادت است.»

مصادیق خدمت

۱. گره گشایی

یکی دیگر از جلوه های خدمت، برآوردن نیازهای مادی و معنوی مردم است که اسلام بدان سفارش آکید نموده است، تا جایی که در کتاب های روایی عنوانی به نام «**قضای حاجت مؤمن**» به چشم می خورد. [۲۱] از دیدگاه اسلام، گره گشایی، توفیقی است که خداوند نصیب پندگان نیکش می کند. امام حسین علیه السلام می فرماید: «**ان حوائج الناس اليكم من نعم الله عليكم فلا تملوا النعم**»؛ ^[۲۲] **نیازهای مردم، از جمله نعمتهای خداوند است برای شما. پس، از مراجعه مردم به خودتان اظهار دل تنگی نکنید**».

در نتیجه معلمی که علاوه برانجام دقیق وظایف، برای رشد و شکوفایی شاگردان، دل می سوزاند، عالمی که علاوه بر تبیین احکام دین، درامور خیر و مسائل زندگی مردم پیشگام است و با مبارزات و فداکاری هایش، از لذتهای زندگی چشم می پوشد، متمکنی که علاوه برانجام وظایف شرعی، با اموال و دارایی خود بانی مراکز سودمند می گردد و به نیازمندان امداد می رساند هرچند در ظاهر گره از کار خلق باز می کنند، اما در واقع نعمت الهی شامل حال آنها گردیده است.

امام کاظم علیه السلام نیز می فرماید: آنکه برادر دینی اش نیازی پیش او می برد، رحمتی است الهی که خداوند به سوی او فرستاده است. اگر آن نیاز را برآورد، به ولایت ما رسیده و ولایت ما به ولایت خداوند پیوسته است و اگر آن نیاز را رد کند، به خود ستم کرده و بدی رسانده است. [۲۳]

دانی که خدا چرا تو را داده دو دست من معتقدم که اندر آن سړی هست

يك دست به کار خویشتن پردازی با دست دگر ز بی کسان گیری دست

بدیهی است که بر طرف کردن نیازهای مردم شامل هرگونه اقدام مثبت و خیرخواهانه در مسائل مادی و معنوی می شود؛ مانند نابینایی را دستگیری کردن، یتیمی را سرپرستی نمودن، گمراهی را هدایت کردن، جاهلی را ارشاد نمودن و منحرفی را به راه آوردن.

۲. سود رسانی

سودمندی، یکی از جلوه های خدمت رسانی است. مؤمن، انسانی است مبارك و پرسود برای دیگران. لذا پیامبر اکرم صل الله علیه و آله می فرماید: «**مثل المؤمن مثل النخلة ما اخذت منها من شيء نفعك**»؛ ^[۲۴] **شخص با ایمان همانند درخت خرماست که هر چه از آن برگیری، سودمند است**». سرپای زندگی انسان معتقد به خدا، این ویژگی را تشکیل میدهد که در هر موقعیتی که باشد و به هر درجه ای که برسد، برای مردم نافع است و خود را خادم آنان می داند. درهمین راستا امام صادق علیه السلام در ذیل آیه شریفه: (وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ): [۲۵] فرموده اند: مبارکاً یعنی نفاعاً؛ مبارك به معنای سوددهی است.

در بیانی دیگر امام صادق علیه السلام می فرماید: «**مؤمنان، خدمت گزار یکدیگرند**». راوی می گوید پرسیدم چگونه خدمت گزار یکدیگرند؟ فرمود: به یکدیگر، سود می رسانند». [۲۶]

۳. یاری به دیگران

از جمله جلوه های خدمت گزاری، یاری رساندن به دیگران است که در فرهنگ اسلامی به آن «**مواسات**» می گویند. امام صادق علیه السلام مواسات را حق افراد جامعه اسلامی بر یکدیگر دانسته و می فرماید: «**مسلمانان موظفند در راه پیوستگی و کمک به نیازمندان کوشا باشند و به یکدیگر محبت کنند**». [۲۷] جامعه اسلامی مانند پیکر واحدی است که با یکدیگر ارتباطی تنگاتنگ

دارند. همانطوری که کاری در يك عضو، موجب به هم خوردن تعادل در بدن می شود، اگر نیازمندی به عللی نتواند خود را همپای دیگران قرار دهد، شایسته است دیگران به او یاری دهند تا تعادل اجتماعی محقق شود.

به قول شیخ بهایی::

همه روز روزه بودن، همه شب نماز کردن	همه ساله حج نمودن، سفر حجاز کردن
ز مدینه تا به کعبه سر و پا برهنه رفتن	دو لب از برای لبیک به وظیفه باز کردن
به مساجد و معابر همه اعتکاف جستن	ز ملاهی و مناهی همه احتراز کردن
شب جمعه‌ها نخفتن، به خدای راز گفتن	ز وجود بی نیازش طلب نیاز کردن
به خدا که هیچ کس را ثمر آنقدر نباشد	که به روی ناامیدی در بسته باز کردن

۴. احسان

احسان به دیگران، جلوه ای دیگر از خدمت رسانی است. قرآن مجید در کنار عدالت، مردم را به احسان فرمان داده است: **(إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ)** [۲۸] به یقین خداوند به عدالت [فردی، خانوادگی و اجتماعی] و نیکی کردن فرمان می دهد؛ از اینکه در آیه شریفه، احسان پس از عدل ذکر شده است، استفاده می شود که مرتبه احسان والاتر از عدل است؛ چرا که عدل یعنی اعطای حقوق بر اساس حق و عدالت، در حالی که در مفهوم احسان، يك نوع گذشت از حق شخصی و ایثار نهفته است.

علامه طباطبائی؛ می فرماید: احسان به دیگران، نفع و نیکی رساندن به آنان است، بدون انتظار پاداش مقابل. [۲۹] از همین رو امام سجاد علیه السلام می فرماید: **«همانا حواجی مردم از نعمت های خداوند بر شماست بنابراین از نعمتهای الهی خسته نشوید که خداوند آن را از شما سلب نموده و به سوی دیگران بر می گرداند»**. [۳۰]

خدمت به پدر و مادر

احترام به پدر و مادر بارها در قرآن توصیه شده است، آن هم در کنار دعوت به توحید. در احادیث نیز احسان به والدین بسیار سفارش شده و از آزریدن آنان نکوهش، به عمل آمده است، چنانکه گفته شده: نگاه رحمت به والدین، پاداش حج مقبوع دارد. رضایت آن دو، رضای الهی است و خشم آنان خشم خداست. احسان به پدر و مادر عمر شخص را طولانی می کند و سبب می شود که فرزندان او هم به وی احسان کنند.

در حدیث است که حتی اگر تو را زدند، تو «أف» نگو، خیره نگاه مکن، دست بلند مکن، جلوتر از آنان راه نرو، آنان را به نام صدا نزن، کاری مکن که مردم به آنان دشنام دهند، پیش از آنان منشین، پیش از آن که از تو چیزی بخواهند به آنان کمک کن.

در این میان خدمتگزاری پدر و مادر از اموری است که میزان اجر و ثواب آن قابل حد و حصر نیست؛ تا جاییکه نیکی به پدر و مادر بعد از وجوب عبادت خداوند قرار گرفته است و در بیان علت و فلسفه این مقارنت و همراهی، این موارد ذکر شده است: [۳۱]

۱. نعمتهای پروردگار، بالاترین نعمت ها بر بنده است و بعد از پروردگار عالم، پدر و مادر که ریشه و سبب وجود فرزند هستند، نعمت های برتر عالم می باشند. پس شکر اولین نعمت (خداوند) و بعد از آن، شکر نعمت های برتر عالم (پدر و مادر) واجب است.

۲. خداوند، مؤثر حقیقی در وجود انسان، و پدر و مادر، مؤثر وجود او در ظاهر (طبیعت) هستند؛ پس آنجا که نام مؤثر حقیقی ذکر شده، بعد از آن مؤثر ظاهری را آورده است.
۳. خداوند در مقابل نعمت های خود، از بنده چیزی نمی خواهد، پدر و مادر نیز در مقابل نعمت خود از فرزند چیزی طلب نمی کنند (نه طلب مالی و نه طلب ثوابی) لذا این نعمت آنها شبیه نعمت خداوند است.
۴. خداوند نعمت خود را از بندهاش دریغ نمی دارد، اگر چه بدترین گناهان را انجام داده باشد. همچنین است جایگاه پدر و مادر که نعمت و فداکاری خود را از کودکشان دریغ نمی دارند، هر چند به آنها بد کرده باشد.
۵. پدر مهربان در مال فرزندش تصرف میکند تا سود بیشتری عاید وی شود و از ضایع شدن مال او جلوگیری می کند. خداوند نیز در اعمال عبادی بنده خود تصرف میکند و آن را از آفات دور مسازد و عملش را زیاده تر می نماید، زیرا خود فرموده است: مَثَلُ كَسَانِي كَهْ فِي رَاحَةِ الْخَلْقِ مَثَلُ الْخَلْقِ فِي رَاحَةِ الْخَلْقِ (راه خدا انفاق میکنند مانند دانه گندمی است که هفت خوشه از آن مروید و در هر خوشه، صد دانه گندم وجود دارد).
۶. نعمت وجود خداوند، بالاتر از نعمت والدین است و این امر، با دلیل و برهان ثابت و معلوم می گردد. اگر چه نعمت والدین نیز معلوم و مشهود است، اما رجحان با نعمت پروردگار است؛ از این رو نعمت والدین پس از نعمت خدا ذکر شده است.

حکایت: شیخ انصاری و خدمت به مادر

شیخ مرتضی انصاری؛ فقیه بزرگ، مادرش را تا نزدیک حَمَّام به دوش می گرفت و او را به زن حمامی سپرده، می ایستاد، تا بعد از پایان کار او را به خانه برگرداند. هر شب به دستبوسی مادر می آمد، و صبح با اجازه او از خانه بیرون میرفت. پس از مرگ مادر به شدت می گریست. فرمود گریهام برای این است که از نعمت بسیار مهمی چون خدمت به مادر محروم شدم. شیخ پس از مرگ مادر با کثرت کار و تدریس و مراجعات تمام نمازهای واجب عمر مادرش را خواند، با آنکه مادر از متدینه های روزگار بود. [۳۲]

خدمت درکانون خانواده

۱. اهمیت

خانواده کوچکترین و ابتدایی ترین عنصر تشکیل دهنده جامعه است و حیات سالم و پایدار آن بستگی بسیاری به پایداری خانواده ها دارد. هر چه در خانه محبت، صمیمیت و همکاری بیشتر باشد قوام آن نیز بیشتر می شود. تعامل مرد و زن در محیط خانه از عوامل مهم در صمیمی تر شدن فضای خانواده است. از مصادیق فراموش شده در کیفیت تعامل همسران در خانه، همکاری و کمک مرد و زن به همدیگر است و به خصوص اینکه شوهر، همسرش را در کارهای خانه کمک کند.

وقتی نمونه هایی از زندگانی امیرمؤمنان و حضرت فاطمه علیهما السلام را بررسی می کنیم، می بینیم قضیه به گونه ای دیگر است. در این الگو خانواده، با وجود اینکه در منزل تقسیم کار صورت می گیرد و امیرمؤمنان علیه السلام مسئول امور بیرون از خانه است و حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها امور داخل خانه را به عهده دارد؛ اما امیرمؤمنان علی علیه السلام در کارهای خانه نیز به همسر خود کمک می کردند. برخی از این موارد عبارتند از:

(الف) حضرت علی علیه السلام فرمود: روزی رسول خدا صل الله علیه وآله بر ما در منزل وارد شد. فاطمه سلام الله علیها نزدیک دیگ غذا نشسته بود و من هم برایش عدس تمیز می کردم. آن حضرت مرا با لقب أبالحسن می خواندند، عرض کردم: بفرمایید. اظهار داشتند: «بشنو از من آنچه

را که به دستور پروردگار می‌گوییم! هیچ مردی نیست که در کارهای منزل به همسرش کمک کند، مگر اینکه پاداش او به هر تار مویی که بر بدنش روییده باشد، ثواب یک سال عبادتی است که تمام روزه‌هایش را روزه گرفته و تمام شب‌هایش را به عبادت ایستاده، شب زنده داری کرده باشد، و خداوند به او ثوابی می‌بخشد که به انبیای صابر خود مثل حضرت داود و یعقوب و عیسی: بخشیده باشد. ای علی! کسی که در کارهای خانه به همسر خود بدون سرکشی و دلتنگی و تکبر خدمت نماید، پروردگار اسمش را در دفتر شهدا ثبت می‌کند و برایش به هر روز و شبی ثواب هزار شهید، و به هر قدمی که بر میدارد به آن مرد ثواب حج و عمره می‌دهد، و به هر قطره‌ای که از بدنش عرق بریزد یک خانه در بهشت برایش منظور می‌نماید.

ای علی! یک ساعت خدمت کردن به همسر در کارهای خانه بهتر است از عبادت هزار سال و هزار حج و هزار عمره و بهتر است از آزادی هزار بنده در راه خدا و هزار جنگ در راه دین و عیادت از هزار مریض و هزار نماز جمعه و هزار تشییع جنازه و هزار گرسنه‌ای که برای رضای خداوند رحمان سیرگردد و هزار برهنه را پوشاند و هزار اسب در راه پروردگار دادن و برایش بهتر از هزار دینار به مستمندان صدقه دادن و بهتر از تلاوت تورات و انجیل و زبور و قرآن است و بهتر از آزاد کردن هزار اسیر و بخشیدن هزار شتر به فقراست و چنین مرد خدمتکار به همسر از دنیا بیرون نمی‌رود مگر اینکه جایگاه خوب خود را در بهشت ببیند.

ای علی! کسی که در خدمت به همسرش روگردانی و تکبر نکند، بدون حساب وارد بهشت می‌شود. ای علی! خدمت به همسر کفاره (پاک کننده) گناهان کبیره است و خاموش‌کننده آتش خشم پروردگار جبار و صدق ازدواج با حور العین و این خدمت موجب زیادی خوبی‌ها و علو مقام است. ای علی! خدمتکار همسر نمی‌شود مگر شخص صدیق و درستکار و یا شهید و یا مردی که خداوند متعال خیر دنیا و آخرت را برایش خواسته باشد».[۳۳]

(ب) نقل شده است که روزی حضرت رسول صل الله علیه وآله وارد خانه علی علیه السلام شد و دید که او و فاطمه سلام الله علیها مشغول کار با آسیای دستی هستند. پیامبر خطاب به آنها فرمود: کدام یک از شما خسته هستید؟ علی علیه السلام پاسخ داد: فاطمه. پیامبر خطاب به او گفت: برخیز دخترم! پس فاطمه سلام الله علیها برخاست و پیامبر به جای وی نشسته و با علی علیه السلام مشغول آسیاب کردن گردید.[۳۴]

(ج) امام صادق علیه السلام در روایتی همین نکته را بیان می‌فرماید: «كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَحْتَطِبُ وَيَسْتَقِي وَيَكْنُسُ وَكَانَتْ فَاطِمَةُ سَلامَ اللَّهِ عَلَيْهَا تَطْحَنُ وَتَعَجِّنُ وَتَخْبِزُ»[۳۵] علی و فاطمه علیهما السلام پس از ازدواج کارهای خود را چنین تقسیم کردند که علی علیه السلام هیزم جمع آوری می‌کرد، آب می‌آورد و جارو می‌کرد و فاطمه سلام الله علیها آسیاب می‌کرد، خمیر درست می‌کرد و نان می‌پخت».

در نتیجه اینکه امور خارج خانه به مردان محول شده و زنان مسئول کارهای داخل منزل هستند نباید بهانه‌ای شود برای مردان که از همکاری در امور خانه و خدمت کردن به همسرشان سرباز زنند. لذا مولا علی علیه السلام می‌فرماید زن مانند گل می‌باشد و پیش خدمت و خدمتکار نمی‌باشد.[۳۶]

۲. أجر و پاداش خدمت در خانه

وقتی به سخنان اهل بیت معصومین: رجوع می‌کنیم ثواب و اجر زیادی برای همیاری و کار کردن مرد در خانه بیان شده است از جمله اینکه:

الف) پیامبر مکرم اسلام صل الله علیه وآله می فرماید: «خدمتک زوجتک صدقه؛ خدمت به همسر از مصادیق صدقه و کار خیراست». [۳۷]

ب) آن حضرت در فرمایش دیگری می فرماید: «خدمت کردن به عیال یکی از سه نشانه مؤمنان حقیقی است». [۳۸]

ج) امام صادق علیه السلام می فرماید: «ما من امراه تسقى زوجها شربه من ماء الا كان خیرالها من عباده سنة صیام نهارها و قیام لیلها و یبني الله بكل شربه تسقى زوجها مدینه فی الجنة و غفرلها ستین خطیئة؛ هیچ زنی نیست که آب به همسرش بنوشاند، مگر اینکه این کار برای آن زن از عبادت یک سال که روزهایش روزه باشد و شبهایش به عبادت بایستد بهتر است و خداوند به پاداش هر جرعه آبی که به همسرش می دهد برای او در بهشت شهری می سازد و شصت خطا از خطاهای او را می بخشد». [۳۹]

د) همچنین از همان حضرت نقل شده است که فرمود: «أُم سلمه از رسول خداصل الله علیه وآله درباره فضیلت خدمت کردن زنان به شوهرانشان پرسید، آن حضرت فرمودند: هر زنی که در خانه شوهر خود به قصد مرتب کردن آن، چیزی را جابه جا کند خداوند به او نظر افکند و هر که خداوند به او نظر کند عذابش نکند». [۴۰]

خدمت به نظام اسلامی

در نظام اسلامی مدیریتها و مسؤولیتهای سیاسی و اجتماعی، امانت سنگینی بر دوش صاحبان آنهاست؛ نه اینکه طعمه و لقمه چرب و نرمی باشد، چنانکه امیرمؤمنان علیه السلام به فرماندار آذربایجان نوشت: «ان عملک لیس لك بطعمه و لکنه فی عنقک امانه»^[۴۱] عمل و حکمرانی، طعمه و شکار تو نیست؛ بلکه امانت و سپردهای در گردن توست».

همه کسانی که در جمهوری اسلامی، مسؤولیت دارند، باید خود را مدیون مردم دانسته، بلکه آنان را در مرتبه بالاتر و «ولي نعمت» خود حساب کنند. آزادی، استقلال و مقام خویش را مرهون کوشش آنان بدانند و همچون رهبر و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی؛ خود را خادم ملت بدانند، چنانکه فرمود: «من خادم شما هستم، من خادم ملت شما هستم. من آمدهام که بزرگواری شما را حفظ کنم. من آمدهام که دشمنهای شما را زمین بزنم. من آمده ام که ملت را يك ملت مستقل کنم...». [۴۲]

در جای دیگر فرمود: «... به من اگر خدمتگزار بگویند، بهتر از این است که رهبر». [۴۳] و نیز فرمود: «... حکومت اسلامی، حکومت خدمت است. پیغمبر اکرم صل الله علیه وآله با اینکه مقامش آن بود، ولی خدمت گزار بود، خدمت می کرد». [۴۴]

مسئولان، ارگانها و نهادهای حکومت و همه کسانی که در این راستا مشغول خدمتند، باید خود را موظف به انجام وظیفه و رفع گرفتاریهای امت، از دل و جان، به اصلاح امور آنان همّت گمارند، امکان ملاقات برای مطرح کردن دردها و محرومیتها و مشکلات را به آنان بدهند، با نهایت تواضع و خوشرویی با آنها برخورد نمایند و از صمیم قلب بخواهند، کارشان را انجام دهند و از انداختن آنها به پیچ و خمها و کاغذ بازیهای اداری و معطل کردن، رد کردن، جواب ندادن، سرگردان کردن و مشکل درست کردن برای آنان، سخت بپرهیزند و هرگز از خدمتگزاری به آنان خسته نشود، و بدانند که این خدمات، حتی اگر در ازای آن حقوق دریافت کنند، برایشان نزد خداوند متعال، ثواب و حسنه محسوب می شود و در قیامت برایشان کارساز است.

پرسش ها و پاسخ ها

۱. وظایف فرزندان در مقابل پدر و مادر خود چیست و چگونه باید به آنان خدمت گزاری کرد؟

پاسخ: جامع ترین سوره ای که وظایف فرزندان را نسبت به پدر و مادر بیان می کند، سوره اسراء است که در این سوره مبارکه وظایف فرزندان در مقابل پدر و مادر به این صورت بیان شده است:

(الف) نیکی به والدین؛

(ب) پرستاری کردن از آنها در دوران پیری و سالخوردگی؛

(ج) پرهیز از سخنی که موجب إنزجار روحی آنها میشود لذا باید با کمال احترام با آنها سخن بگوید؛

(د) خضوع و فروتنی در مقابل پدر و مادر؛

(ه) از خداوند برای آنها طلب رحمت و مغفرت بنماید. [۴۵]

۲. چرا باید به پدر و مادر خدمت کنیم، در حالی که برخی از آنها نه دارای دین درستی هستند و نه اینکه اخلاق صحیحی دارند؟

پاسخ: در رابطه با این مسئله باید توجه داشت که:

اولاً: دین نگفته است که در مقابل احترام پدر و مادر به آنها احترام بگذارید، بلکه می گوید وظیفه شما خدمتگزاری به پدر و مادر است، خواه آنها به شما خدمت و احترام بگذارند، و خواه اینکه این-گونه عمل نکنند؛ به هر حال وظیفه شما خدمت به پدر و مادر است.

ثانیاً: احترام و خدمت به پدر و مادر قبل از آنی که خدمت به پدر و مادر باشد، احترام گذاشتن در مقابل حکم خداوند است. در نتیجه خدمت شما به پدر و مادر نوعی إطاعت در مقابل خداوند است و نحوه عملکرد پدر و مادر در آن نقشی ندارد.

۳. چرا اسلام مؤمنین را تشویق به خدمتگزاری نسبت به یکدیگر میکند؟

پاسخ: از جمله تعلیمات اسلامی در صحنه زندگی اجتماعی، پرورش روح نوع دوستی در تک تک افراد جامعه است. برنامه هایی بسیار جالب و تحسین برانگیز که تمامی افراد در ابعاد گوناگون حیات جمعی، با انواع این برنامه ها مواجه و رو به رو هستند. در نتیجه روح انسان دوستی و توجه به ابتلائات و احتیاجات مردم، به طور طبیعی در فطرت مسلمانان، پرورش می یابد، و به کار بستن این مقررات اخلاقی، آنان را به انسانهایی با روحیه والا تبدیل می کند.

در این راستا پیامبر عظیم الشأن اسلام صل الله علیه و آله فرموده اند: «هر کس شب را سحر کند و در اندیشه کارسازی و رفع مشکلات و مهمات مردم مسلمان نباشد، مسلمان واقعی نیست. خداوند مدد کار و یاور مؤمن است مادامی که او کمک کار برادر ایمانی خویش است. قضای حاجت يك نفر مؤمن بسیار با ارزشتر است از روزه و اعتکاف يك ماهه و از عبادت آن کس که هزار سال خداوند را عبادت کرده به این ترتیب که روزها را روزه و شبها را به نماز ایستاده باشد».^[۴۶] در نتیجه علت تأکید اسلام بر مسئله خدمت رسانی به هم نوعان ایجاد حس نوع دوستی در بین مسلمانان است.

[۱]. غرر الحکم: ج ۱، ص ۸۸.

[۲]. بحارالانوار: ج ۷۴، ص ۳۶۹.

[۳]. عین الحیوة: ص ۱۰۹.

- [۴] . در محضر آیہ اللہ العظمیٰ بہجت، محمد حسین رخشاد: ص ۵۱.
- [۵] . اثنی عشریہ، شیخ حر عاملی: ص ۷۹.
- [۶] . سورۃ ماعون: آیات ۳ الی ۶.
- [۷] . تنبیہ الخواطر، ورام بن ابی فراس: ج ۲، ص ۸۵.
- [۸] . تحف العقول، حرانی: ص ۳۰۳.
- [۹] . اصول کافی: ج ۲، ص ۱۶۳ ح ۱.
- [۱۰] . اصول کافی: ج ۲، ص ۱۹۷.
- [۱۱] . بحارالانوار: ج ۷۱، ص ۳۱۱، ح ۶۴.
- [۱۲] . تحف العقول: باب الخدمة.
- [۱۳] . بحارالانوار: ج ۷۱، ص ۳۱۲، ح ۶۹.
- [۱۴] . احتجاج طبری، ص ۱۷۴.
- [۱۵] . اصول کافی: ج ۴، ص ۵۴.
- [۱۶] . سورۃ بقرہ: آیۃ ۲۶۴.
- [۱۷] . سورۃ بقرہ: آیۃ ۲۶۴.
- [۱۸] . زهر الربیع، سید نعمت اللہ جزائری: ص ۵۰۷.
- [۱۹] . بحار الانوار: ج ۵۶، ص ۲۳۱.
- [۲۰] . بحار الأنوار: ج ۷۵، ص ۱۴۰.
- [۲۱] . بحارالانوار: ج ۷۱ ص ۲۸۳ – ۳۴۲.
- [۲۲] . بحارالانوار: ج ۷۱، ص ۳۱۸.
- [۲۳] . بحارالانوار: ج ۷۱ ص ۳۱۳.
- [۲۴] . میزان الحکمہ: ج ۲، ص ۵۳۸.
- [۲۵] . سورۃ مریم: آیۃ ۳۱.
- [۲۶] . اصول کافی: ج ۲، ص ۱۶۷، ح ۹.
- [۲۷] . اصول کافی: ج ۲، ص ۱۷۵.
- [۲۸] . سورۃ نحل: آیۃ ۹۱.
- [۲۹] . المیزان: ج ۱۴، ص ۳۳۲.
- [۳۰] . مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری: ج ۱۲، ص ۳۶۹.
- [۳۱] . حقوق والدين، عبدالکریم پاک نیا: ص ۱۳۹.
- [۳۲] . آداب الطلاب، آیت اللہ مجتہدی: ص ۶۴.
- [۳۳] . بحارالانوار: ج ۱۳، ص ۱۳۳.

- [۳۴] . فضائل ابن شاذان قمی: ص ۱۱۲.
- [۳۵] . اصول کافی: ج ۵، ص ۸۶.
- [۳۶] . نهج البلاغه: نامه ۳۱.
- [۳۷] . کنز العمال: ج ۱۶، ص ۴۰۸.
- [۳۸] . تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث، محمدی ری شهری: ص ۲۲۰.
- [۳۹] . وسائل الشیعه: ج ۲۰، ص ۱۷۲.
- [۴۰] . بحار الأنوار: ج ۱۰۳، ص ۲۵۱، ح ۴۹.
- [۴۱] . نهج البلاغه: نامه ۵، صفحه ۸۳۹.
- [۴۲] . در جستجوی راه از کلام امام، دفتر ششم، صفحه ۱۷.
- [۴۳] . صحیفه نور، ج ۱۲، صفحه ۱۹۲.
- [۴۴] . رساله نوین، ج ۴، صفحه ۲۵۷.
- [۴۵] . سورة إسرأ: آیات ۲۳ و ۲۴.
- [۴۶] . قرب الاسناد، حمیری: ص ۵۷.